

بررسی رابطه بین سبک‌های هویت با معنای زندگی در دانشجویان

جعفر بهادری خسروشاهی*، مجید محمود علیلو**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های هویت با معنای زندگی در دانشجویان دانشگاه تبریز بود. این پژوهش مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان مشغول به تحصیل دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ بودند. به این منظور از میان دانشجویان دانشگاه تبریز به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای ۲۰۰ نفر (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه سبک هویت برزونسکی و پرسش‌نامه معنی زندگی صالحی استفاده شد. داده‌ها نیز به کمک روش‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه (گام به گام) و آزمون t تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که معنای زندگی با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه مثبت معنادار و با سبک هویت سردرگم/اجتنابی رابطه منفی معنادار دارد. همچنین بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، سبک‌های هویت اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی ۲۶٪ از واریانس معنای زندگی را تبیین می‌کنند. علاوه بر این تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که بین دانشجویان دختر و پسر در متغیر معنای زندگی و سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین، افرادی که دیدگاه و باور روشنی درباره هویت خود دارند، در زندگی برای خود اهداف معینی را انتخاب کرده و معنایی برای زندگی خود قائل هستند.

کلید واژه

سبک‌های هویت، سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، سبک هویت سردرگم/اجتنابی، معنای زندگی، دانشجویان، دانشگاه تبریز

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه

Jafar. b2010@yahoo.com

تبریز

** استاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۱

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مشغله‌های بزرگ ذهن انسان، خود انسان است. پرسش اساسی این است که آیا آفرینش و پیدایش انسان، هدایت شده و جهت‌دار است یا بی‌جهت و تصادفی بوده است. اگر برای بودن انسان معنایی وجود دارد، آن معنا چیست؟ یا آن معناها کدامند؟، چگونه باید آن‌ها را دریافت و محقق ساخت؟ (فرانکل^۱، ۱۳۷۵). از نقطه نظر تاریخی زندگی معنادار از بحث برانگیزترین مفاهیم در فلسفه و روانشناسی بوده است. برای معنای زندگی^۲، معانی مختلفی ذکر شده که همه آن‌ها به داشتن هدف اشاره دارند. با وجود این نخستین طلیعه معنای درمانی به سال ۱۹۲۶ و سخنرانی فرانکل در کنگره بین‌المللی روانشناسی فردی بر می‌گردد (فرانکل، ۱۳۸۴). دستیابی به معنی تجربه لذت بخشی است که در آن فرد نه تنها خود، بلکه دیگران را نیز زیبا می‌بیند و اهمیت دادن به نیازها و خواسته‌های دیگران نیز ثمره این خود شکوفایی است. از سویی تلاش در یافتن معنایی برای زندگی، نیروی اصیل و بنیادی منحصر به فرد و ویژه خود انسان است، از این رو انسان قادر است به آن تحقق ببخشد و در این صورت معناجویی او ارضا خواهد شد، چنین باورهای انعطاف‌پذیری، قدرت تحمل رویدادها و موقعیت‌های مبهم و ناراحت‌کننده زندگی را به همراه دارد، همچنین فرصت یادگیری و رشد را بیشتر می‌کند و در نهایت بهداشت روانی بهتری را به همراه دارد. اعتقاد به معنی داشتن زندگی، نظم حاکم بر جهان، و قدرتی برتر، به زندگی فرد مفهومی ژرف می‌بخشد. با این اعتقاد روح انسان فراتر رفته و به گذشت، بخشش و رسیدگی به نیازهای دیگران پیش از نیازهای خود اقدام می‌کند (هالس^۳، ۲۰۰۱؛ به نقل از رضوانی، ۱۳۸۸).

معنا در زندگی معمولاً به احساسی از یکپارچگی وجودی اشاره می‌کند که به دنبال پاسخ دادن به چیستی زندگی، پی بردن به هدف زندگی و دست یافتن به اهداف ارزنده و در نتیجه رسیدن به حس تکمیل بودن و مفید بودن حاصل می‌شود (یه هو^۴ و همکاران، ۲۰۱۰). فروم^۵

-
1. Frankl
 2. Meaning of life
 3. Hals
 4. Yee Ho
 5. Fromm

(۱۹۴۷) نیاز به مبنای جهت‌گیری را از مهم‌ترین نیازهای آدمی می‌داند و منظور از آن را هدف، معنا و مقصود زندگی تلقی می‌کند. استایگرو فرایزر^۱ (۲۰۰۶) معنای زندگی را در احساس سازنده بودن انسان مؤثر دانسته و حتی ادعا می‌کنند که ماهیت انسان و وجود او منوط به دارا بودن چنین مفهومی است. آمز^۲ (۱۹۹۲) نیز بیان می‌دارد که هدف‌گرایی بیان‌کننده الگوی منسجمی از باورها، اسنادها و هیجان‌ات فرد است که مقاصد رفتاری فرد را در ارتباط با دیگران تعیین می‌کند و سبب می‌شود تا فرد نسبت به برخی موقعیت‌ها گرایش بیشتری داشته و در آن موقعیت‌ها به گونه‌ای خاص عمل کنند. مدی^۳ (۱۹۷۰) معنای زندگی را امری ذاتی برای زندگی می‌داند. به اعتقاد او در ذات زندگی به طبع ذات عالم هستی، معنا یا هدفی نهفته است که انسان باید آن را کشف کند. در واقع مقصود او از معنای زندگی این است که زندگی انسان هدفی داشته باشد و منظور از این هدف طراحی دلایل اساسی و ذاتی برای زندگی است. فرانکل (۱۹۶۹) معنای زندگی را فرایند اکتشاف در جهان ذاتاً معنادار تصور کرده است. مفروضه نظریه او بدین قرار است: معنی خلق نمی‌شود، بلکه در جهان بیرون از شخص کشف می‌شود و بر واقعیت عینی زندگی افراد مستولی است. برای هر موقعیتی تنها یک معنا وجود دارد و آن معنای واقعیت جستجوی فردی، انگیزه اولیه انسان است. بر طبق نظریه فرانکل اگر افراد معنایی را تعقیب نکنند احتمالاً خلاء وجودی یا بی‌معنایی را تجربه خواهند کرد. رکر و فرای^۴ (۲۰۰۳) نیز معتقد هستند نحوه برداشت فرد و واکنش او به دنیای پیرامون تحت تأثیر هدف‌گرایی قرار دارد. در مجموع می‌توان معنای زندگی را در بعد اجتماعی آن، حضور ارزش‌های اخلاقی همچون صلح، آرامش، زیبایی، عدالت و برادری تلقی کرد؛ همان پدیده‌ای که به هویت متعادل نیز مرسوم است. بنابراین، داشتن معنا در زندگی با در نظر گرفتن گذرایی هستی و وجود انسانی به جای بدبینی و انزوا، انسان را به تلاش و فعالیت فرا می‌خواند و بیان می‌دارد که آنچه انسان‌ها را از پای در می‌آورد، رنج‌ها و سرشت نامطلوب آن‌ها نیست، بلکه بی‌معنا شدن زندگی است که مصیبت بار است. اگر رنج را شجاعانه بپذیریم تا واپسین دم،

-
1. Steger & Frazier
 2. Ames
 3. Maddi
 4. Reker & Fry

زندگی معنا خواهد داشت و معنای زندگی می‌تواند حتی معنای بالقوه درد و رنج را نیز در برگیرد (فرانکل، ۱۳۸۵).

داشتن معنا در زندگی مسأله‌ای است که اهمیت فراوانی دارد و در دوره دانشجویی نیز با توجه به مسائل و مشکلات خاص این دوره اهمیت بیشتری پیدا کرده و بر سبک زندگی دانشجویان تأثیر می‌گذارد، اما در این میان سبک هویتی فرد یکی از متغیرهایی است که بر معنای زندگی تأثیر دارد و می‌تواند در مثبت نگری فرد به زندگی نقشی مهم داشته باشد. ارائه تعریفی جامع و دقیق از هویت^۱ کار آسانی نیست. از طرفی یکی از تکالیف مهم تحولی انسان، روند شکل‌گیری هویت است و تکوین هویت موفق با معنای زندگی ارتباط مستقیم دارد. هویت جنبه اساسی و درونی است که به کمک آن یک فرد با گذشته خود مرتبط می‌شود و احساس تداوم و یکپارچگی می‌کند. به اعتقاد ماریسا^۲ هویت عبارت است از سازمان دادن یک خود درونی شامل ساخت خود، سیستم باورها، آرزوها، عقاید، مهارت‌ها و تاریخچه فردی که در واقع نتیجه یک بحران است (انصاری و اسکویی، ۱۳۸۰). اریکسون^۳ (۱۹۶۸) در تعریف روانی-اجتماعی هویت آن را حسی از پیوستگی با گذشته و سوگیری برای آینده می‌داند. به گونه‌ای که فرد باید آموخته‌ها و مهارت‌های به‌دست آورده از دوره‌های پیشین و همچنین همانندسازی‌های گذشته را در هم آمیزد و هویتی شخصی برای خود بسازد (اسپرین تال و کالینز^۴، ۱۹۹۵). برک^۵ (۲۰۰۲) هویت را مجموعه‌ای از معانی می‌داند که فرد برای تعریف خود به کار می‌برد. گیلیگان^۶ (۱۹۸۲) نیز شکل‌گیری هویت را به عنوان فرایندهای دائمی تکامل معنی‌سازی می‌نگرد. او هویت را به عنوان یک فرایند کلی می‌داند که شناخت و عاطفه را با هم در برمی‌گیرد. شکل‌گیری هویت درباره این موضوع است که چگونه آنچه که به عنوان خود شناخته می‌شود از بین رفته و دوباره شکل می‌گیرد.

-
1. Identity
 2. Marcia
 3. Erikson
 4. Sperinthal & Collins
 5. Berk
 6. Gilligan

از نظر برزونسکی و کاک^۱ (۲۰۰۵) هویت، یک تصور و بازنمایی ذهنی از خود است و افراد بر حسب استفاده از فرآیندهای شناختی و اجتماعی و نظریه‌های خود ساخته برای حل مسائل شخصی و تصمیم‌گیری‌ها، در استفاده از سبک‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. این سبک‌ها، راه‌های پردازش اطلاعات و مقابله با مشکلات ناشی از بحران هویت است (دوریز^۲ و همکاران، ۲۰۰۴؛ برمن و شوارتز^۳، ۲۰۰۱). در سبک هویت هنجاری فرد ارزش‌های مراجع قدرت و والدین را می‌پذیرد. افراد دارای این سبک، انعطاف‌ناپذیر هستند و هدف‌های کاری و آموزشی مشخصی دارند که از بیرون کنترل می‌شود. در سبک هویت سردرگم/اجتنابی^۴، فرد همواره به درخواست‌های موقعیتی واکنش نشان می‌دهد؛ این گروه با تعلل و درنگ زیاد در تصمیم‌گیری برای مسائل شخصی و هویتی مشخص می‌شوند. در سبک اطلاعاتی^۵، فرد جستجوگر اطلاعات بوده، درباره مفاهیم خود شکاک و نسبت به آگاهی‌های مربوط به خود گشاده هستند و به پردازش و ارزیابی اطلاعات، قبل از تصمیم‌گیری اقدام می‌کنند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵).

پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه سبک‌های هویتی با معنای زندگی نشان دادند که سبک هویتی منسجم با معنای زندگی ارتباط مستقیمی دارد. شکری و همکاران (۱۳۸۰) در پژوهشی نشان دادند که معنا و هدف در زندگی با سبک هویت اطلاعاتی ارتباط مثبت معنادار و با سبک هویت اجتنابی ارتباط منفی معنادار دارد. دوریزو سوئنز^۶ (۲۰۰۶) در پژوهشی گزارش کردند که دیدگاه‌های فردی و سبک‌های هویتی در شکل‌گیری شخصیت و معنادگی به زندگی افراد به‌خصوص از لحاظ دینی تأثیر بسزایی دارد. همچنین دوریزو همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند تعالی واقعی و هدف‌گرایانه با هویت اطلاعاتی و شکل گرفته رابطه مثبت و تعالی لفظی و غیر واقعی با یک هویت پراکنده و اجتنابی رابطه منفی معنادار دارد. برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) در پژوهشی نشان دادند که افراد با سبک هویت سردرگم/اجتنابی تحمل و خود

-
1. Berzonsky & kuck
 2. Duries
 3. Berman & Schwartz
 4. Normative
 5. Aviodant
 6. Soenens

مختاری هیجانی کمتری نسبت به سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری دارند. در واقع سبک هویتی سردرگم/اجتنابی با عزت نفس پایین، واکنش‌های افسردگی و روان رنجوری بالا به طور مثبت در ارتباط است و بیشتر از سایر سبک‌های هویتی دچار افسردگی، روان‌پریشی و بیماری‌های عاطفی می‌شوند در نتیجه سلامت عمومی بسیار پایینی دارند. پاشا و همکاران در پژوهشی بین پایگاه‌های هویت و بهداشت روانی جوانان نتیجه گرفتند که بین افسردگی حاصل از بی‌هدفی در زندگی و پایگاه‌های هویت زودرس رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (فارسی‌نژاد، ۱۳۸۳). ماسکار و روزن^۱ (۲۰۰۵) نشان دادند که معنای وجودی در افزایش امیدواری نقشی مهم دارد و افراد دارای سبک هویت منسجم از معنای زندگی بالایی برخوردارند. صالحی حیدر آباد (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان داد که معنای زندگی با سبک هویتی سردرگم، زود هنگام و مهلت خواه رابطه منفی معنادار و با سبک هویتی کسب شده رابطه مثبت معنادار دارد.

پژوهش بهروزی و محمدی (۱۳۸۷) نشان داد که میان زنان و مردان در متغیر معنای زندگی تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی زنان بیشتر از مردان از زندگی معناداری بهره‌مند بودند. همچنین پژوهش صالحی حیدر آباد (۱۳۸۹) نشان داد که میانگین زنان در متغیر معنای زندگی بیشتر از پسران است و این تفاوت معنادار است. مالکی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «رابطه معنای زندگی و راهبردهای مقابله‌ای با شادکامی دانشجویان» نشان داد که میان دختران و پسران در متغیر معنای زندگی تفاوت معناداری وجود دارد و این تفاوت به نفع دختران است. از سویی پژوهش گیلیگان (۱۹۸۲) حاکی از آن است که شکل‌گیری هویت دختران و پسران در دوره نوجوانی متفاوت از یکدیگر است. به نظر او شکل‌گیری هویت دختران نه تنها برای استقلال شخصی، بلکه برای همکاری و صمیمیت و مراقبت از دیگران نیز هست. در حالی که هویت پسران اساساً برای استقلال و رقابت و فردیت شکل می‌گیرد. ویوان^۲ (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «رابطه سبک هویت و موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان» نشان داد که میان دانش‌آموزان دختر و پسر در سبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری تفاوت معناداری وجود

1. Mascaro & Rosen

2. Vivan

دارد. در واقع دانش‌آموزان دختر سبک هویتی اطلاعاتی و هنجاری بالاتری نسبت به دانش‌آموزان پسر داشتند. آلیسون و شوارتز^۱ (۲۰۰۱) در پژوهشی در میان نوجوانان گزارش کردند که نوجوانان دختر سبک هویت اطلاعاتی بالاتری نسبت به پسران دارند. پژوهش میکائیلی منیع (۱۳۸۹) نشان داد که دختران در سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری و پسران در سبک هویت سردرگم/اجتنابی میانگین بالاتری دارند.

با توجه به این‌که داشتن هدف و معنا در زندگی ارتباط مثبتی با عوامل روان‌شناختی دارد و به رضایت زندگی، احساس خوب روان‌شناختی، حمایت اجتماعی و دلیل زنده ماندن منجر می‌شود و با توجه به مشکلات دانشجویان بی‌بهره از سبک هویتی منسجم و دارای معنای زندگی پایین، و با توجه به لزوم شناسایی رابطه معنای زندگی در آن‌ها تا احساس مثبت آن‌ها از زندگی افزایش یابد. همچنین با توجه به اهمیت کاربردی رابطه بین سبک‌های هویت با معنای زندگی و از سویی برای دستیابی به شناخت بیشتر از دانشجویان در این دو متغیر و با نگرش به این‌که تاکنون پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام شده است. این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک‌های هویت با معنای زندگی در دانشجویان دانشگاه تبریز انجام شد.

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین سبک هویت اطلاعاتی با معنای زندگی رابطه مثبت وجود دارد.
۲. بین سبک هویت هنجاری با معنای زندگی رابطه مثبت وجود دارد.
۳. بین سبک هویت سردرگم/اجتنابی با معنای زندگی رابطه منفی وجود دارد.
۴. سبک‌های هویتی اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی سهم تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی معنای زندگی دارند.
۵. میان زنان و مردان در سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و متغیر معنای زندگی تفاوت معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی بود. پژوهش‌های همبستگی شامل کلیه پژوهش‌هایی است که در آن‌ها سعی می‌شود رابطه بین متغیرهای مختلف با استفاده از ضریب همبستگی کشف یا تعیین شود. هدف روش پژوهش همبستگی مطالعه حدود تغییرات یک یا چند متغیر با حدود تغییرات یک یا چند متغیر دیگر است (دلاور، ۱۳۷۴). جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه تبریز تشکیل می‌دادند که در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ مشغول به تحصیل بودند. نمونه مورد بررسی ۲۰۰ دانشجو (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) بود که با استفاده از جدول مورگان و به صورت تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که ابتدا به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چهار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، علوم پایه، کشاورزی و فنی مهندسی از بین دانشکده‌های دانشگاه تبریز انتخاب شدند، سپس از هر گروه آموزشی در هر دانشکده، یک کلاس به شیوه تصادفی انتخاب شد. پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت و همکاری آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌های سبک هویت برزونسکی و معنای زندگی صالحی درباره دانشجویان اجرا شد. همچنین برای تحلیل داده‌های آن از شاخص‌ها و روش‌های آماری از جمله میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی، تحلیل رگرسیون و آزمون t مستقل استفاده شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

الف- پرسشنامه سبک هویت برزونسکی: برای اندازه‌گیری سبک‌های هویت از پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۴۰ گویه است که ۱۱ گویه برای سبک اطلاعاتی، ۹ گویه برای سبک هنجاری، ۱۰ گویه برای سبک سردرگم اجتنابی و ۱۰ گویه دیگر مربوط به مقیاس تعهد است که برای تحلیل ثانویه استفاده می‌شود و یک سبک هویتی محسوب نمی‌شود. در مقابل هر گویه بر طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت قرار داشت که کاملاً موافق نمره ۵ و کاملاً مخالف نمره ۱ می‌گرفت که پاسخ دهنده باید یکی از آن‌ها را انتخاب می‌کرد. گویه‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که جهت‌گیری فرد را در پاسخگویی به مسائل

هویتی آن‌ها ارزیابی می‌کردند. برزونسکی (۱۹۹۲) در آخرین نسخه تجدید نظر شده خود ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های اطلاعاتی را ۰/۶۲، هنجاری را ۰/۶۶ و سردرگم اجتنابی را ۰/۷۳ گزارش کرده است. وایت^۱ و همکاران (۱۹۹۸) به منظور بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تجدید نظر شده، آن را در میان ۳۶۱ نفر از دانشجویان با میانگین سنی ۲۱/۵ سال اجرا کردند که ۷۶ درصد آن‌ها مرد بودند و ضریب آلفای کرونباخ را برای سبک هویت اطلاعاتی ۰/۵۹، سبک هویت هنجاری ۰/۶۴ و سبک هویت سردرگم اجتنابی ۰/۷۸ گزارش کردند. در ایران نیز پور علی فرد، (۱۳۸۳) برای کل نمونه پژوهش خود، ضریب آلفای ۰/۶۸ را به دست آورد. همچنین در پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۶ و ۰/۶۷ به دست آمد (فیض آبادی و همکاران، ۱۳۸۷). در پژوهش مغاللو و همکاران (۱۳۸۷) ضرایب آلفای کرونباخ برای همسانی درونی برای سه سبک هویت اطلاعاتی، هویت سردرگم/اجتنابی، و هویت هنجاری به ترتیب برابر با ۰/۷۶، ۰/۶۹ و ۰/۶۸ به دست آمد. همچنین در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای سبک هویت اطلاعاتی ۰/۷۸، برای سبک هویت هنجاری ۰/۷۱ و برای سبک هویت سردرگم و اجتنابی ۰/۷۰ به دست آمد.

برای بررسی روایی این پرسشنامه وایت و همکاران (۱۹۹۲) پاسخ‌های افراد را در سه سبک هویتی با روش تحلیل عاملی با استفاده از چرخش واریماکس با مؤلفه اصلی بررسی کردند. ضریب همبستگی بین عوامل به ترتیب عامل اول ۰/۷۹، عامل دوم ۰/۸۱ و عامل سوم ۰/۸۴ به دست آمد که همگی بالا بودند. از طرف دیگر فارسی نژاد (۱۳۸۳) روایی سازه این آزمون را با روش تحلیل عاملی بررسی کرد، که اندازه کفایت نمونه‌برداری ۰/۷۵ بود.

ب- پرسشنامه معنای زندگی صالحی: صالحی (۱۳۷۴) پرسشنامه معنا بخش بودن زندگی (معناجویی) را با توجه به معیارها و ملاک‌های استخراج شده از نظرات ویکتور فرانکل، مبنی بر وجود معنا در زندگی، تنظیم کرده است و ۵۰ سؤال دارد که هر سؤال ۷ ارزش به خود می‌گیرد. پرسشنامه به صورت خود سنجی است و تکمیل آن ۱۵ الی ۲۰ دقیقه طول می‌کشد که آزمودنی با توجه به میزان تأیید یا رد هر سؤال ارزش‌هایی از ۱ الی ۷ را به سؤال می‌دهد.

ارزش نشانه فقدان توافق کامل با سؤال و ارزش ۷ نشانه توافق کامل با متن است. سؤال‌های ۵/۱ / ۹ / ۱۰ / ۱۲ / ۱۴ / ۱۷ / ۱۹ / ۲۱ / ۲۲ / ۲۴ / ۲۵ / ۲۷ / ۲۹ / ۳۸ / ۳۹ / ۴۳ / ۴۴ / ۴۶ / ۴۷ / نمره معکوس می‌گیرند. روایی محتوا و صوری پرسشنامه را هفت تن از اساتید دوره دکتری تأیید کرده‌اند. صالحی (۱۳۷۴) در پژوهشی ضریب پایایی پرسشنامه معنابخش بودن زندگی را با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش کرده است. همچنین در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این پرسشنامه برابر با ۰/۷۲ است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ شاخص‌های مرکزی آزمودنی‌ها را درباره نمره‌های سبک‌های هویت و معنای زندگی نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی سبک‌های هویت و معنای زندگی در دانشجویان بر حسب جنس

متغیر	شاخص	دانشجویان پسر M(SD)	دانشجویان دختر M(SD)	دانشجویان کل M(SD)
سبک هویت اطلاعاتی	۳۵ / ۴۸ (۹ / ۲۶)	۳۹ / ۳۰ (۱۱ / ۱۳)	۳۷ / ۳۹ (۱۰ / ۳۹)	
سبک هویت هنجاری	۲۶ / ۰۷ (۷ / ۲۵)	۲۹ / ۰۷ (۷ / ۲۵)	۲۷ / ۵۷ (۷ / ۸۹)	
سبک هویت سردرگم / اجتنابی	۱۹ / ۳۷ (۸ / ۸۸)	۱۷ / ۹۱ (۸ / ۶۷)	۱۸ / ۶۴ (۸ / ۷۹)	
معنای زندگی	۱۴۵ / ۵۳ (۲۴ / ۶۹)	۱۵۴ / ۱۶ (۲۰ / ۷۳)	۱۴۹ / ۸۵ (۲۳ / ۱۵)	

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که دانشجویان دختر در سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری بالاترین نمره و در سبک هویت سردرگم / اجتنابی پایین‌ترین نمره را نشان می‌دهند. همچنین میانگین دانشجویان پسر در سبک هویت سردرگم / اجتنابی نسبت به دانشجویان دختر بالاتر است. از سویی دانشجویان دختر در متغیر معنای زندگی از میانگین بالاتری نسبت به دانشجویان دختر بهره‌مند هستند. با استفاده از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه در دانشجویان محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱- سبک هویت اطلاعاتی	-			
۲- سبک هویت هنجاری	۰/۴۰*	-		
۳- سبک هویت سردرگم/اجتنابی	۰/۳۰*	۰/۳۷*	-	
۴- معنای زندگی	۰/۴۷*	۰/۳۲*	۰/۳۲*	-

همان‌طور که نتایج آزمون پیرسون (جدول ۲) نشان می‌دهد بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با معنای زندگی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. به عبارتی با افزایش سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری میزان معنای زندگی دانشجویان نیز افزایش می‌یابد. این یافته فرضیه‌های ۱ و ۲ پژوهش را تأیید می‌کند.

این نتایج همچنین نشان می‌دهد که بین سبک هویت سردرگم/اجتنابی با معنای زندگی رابطه منفی معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش سبک هویت سردرگم/اجتنابی معنای زندگی در دانشجویان کاهش می‌یابد. مطابق این یافته فرضیه سوم تأیید می‌شود.

برای انجام دادن تحلیل رگرسیون چندگانه، ابتدا مفروضه‌های مربوطه (خطی بودن روابط بین متغیرهای پیش‌بین) بررسی شد و به لحاظ تحقق این مفروضه‌ها تحلیل رگرسیون به عمل آمد. از سویی با استفاده از روش‌های تعدیل نمرات، مقادیر پرت از فرایند تحلیل خارج شدند. بنابراین، برای تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای سبک‌های هویتی اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی بر واریانس معنای زندگی، متغیر سبک‌های هویتی اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و معنای زندگی به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین میانگین متغیرهای سبک‌های هویتی با معنای زندگی در جدول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج رگرسیون گام به گام سبک‌های هویت برای پیش‌بینی معنای زندگی

مدل	R	R ²	خطای استاندارد	F	سطح معناداری
سبک هویت اطلاعاتی	۰/۴۷	۰/۲۲	۲۰/۴۱	۵۷/۰۴	۰/۰۰۰
سبک هویت اطلاعاتی سبک هویت اجتنابی	۰/۵۱	۰/۲۶	۱۹/۹۸	۳۵/۰۴	۰/۰۰۰

جدول ۴: ضرایب متغیرهای مستقل

متغیر	B	SEB	β	t	سطح معناداری
سبک هویت اطلاعاتی	۰/۹۲	۰/۱۴۳	۰/۴۱	۶/۴۷	۰/۰۰۰
سبک هویت اطلاعاتی	-۰/۵۲	۰/۱۶۹	-۰/۱۹	-۳/۰۹	۰/۰۰۲
سبک هویت اجتنابی					

بر اساس نتایج جدول ۴ F مشاهده شده معنادار است ($P < ۰/۰۰۰$). از سویی نتایج جدول ۳ تحلیل رگرسیون با روش گام به گام نشان می‌دهد که عامل سبک هویتی اطلاعاتی به تنهایی ۲۲ درصد از تغییرات معنای زندگی در دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند و در گام بعدی که عامل سبک هویتی اجتنابی وارد می‌شود این مقدار به ۲۶ درصد می‌رسد. میزان f به دست آمده در هر دو متغیر بالا و با سطح معناداری $sig = ۰/۰۰۰$ است. همچنین ضرایب به نای استاندارد در متغیر سبک هویتی اطلاعاتی ۰/۴۱ و در متغیر سبک هویتی اجتنابی -۰/۱۹ است. این نتایج نشان می‌دهد که متغیر سبک هویتی اطلاعاتی پیش‌بینی کننده معنای زندگی از میان دو متغیر است که به تنهایی ۲۲ درصد از واریانس معنای زندگی را تعیین می‌کند. دومین متغیر وارد شده متغیر سبک هویت اجتنابی است که ورود این متغیر به تحلیل، ضریب تعیین را به میزان ۴ درصد افزایش می‌دهد و متغیرهای سبک هویتی اطلاعاتی و اجتنابی در مجموع ۲۶ درصد از واریانس معنای زندگی را تعیین می‌کنند. همچنین با توجه به ضرایب رگرسیون کسانی که سبک هویتی آن‌ها اطلاعاتی است معنای زندگی بیشتر و کسانی که سبک هویتی آن‌ها اجتنابی است، معنای زندگی کمتری را نشان می‌دهند. بنابراین، فرضیه ۴ تأیید شد.

از سویی به منظور مقایسه دو جنس در متغیرهای مورد مطالعه، از آزمون t برای مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل استفاده شد. نتایج در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون t برای مقایسه دانشجویان پسر و دختر بر حسب متغیرهای پژوهش

متغیر	درجه آزادی	نسبت t	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری
معنای زندگی	۱۹۸	-۲/۶۷	-۸/۶۲	۰/۰۰۱
سبک هویت اطلاعاتی	۱۹۸	-۲/۶۳	-۳/۸۲	۰/۰۰۲
سبک هویت هنجاری	۱۹۸	-۲/۸۳	-۳/۰۱	۰/۰۰۷
سبک هویت سردرگم/اجتنابی	۱۹۸	۱/۱۷	۱/۴۶	۰/۲۴

نتایج آزمون t در جدول ۵ نشان می‌دهد که در متغیر معنای زندگی، تفاوت میانگین‌های دو گروه (۸/۶۲-) در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. بنابراین، میزان معنای زندگی در دانشجویان دختر و پسر متفاوت است. در واقع می‌توان گفت میزان معنای زندگی دانشجویان دختر از دانشجویان پسر بیشتر است. همچنین میان دانشجویان دختر و پسر در متغیر سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر میانگین بیشتری دارند. از سویی دانشجویان دختر و پسر در متغیر سبک هویت سردرگم/اجتنابی با هم تفاوت معناداری نداشتند. بنابراین، فرضیه ۵ پژوهش تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که معنای زندگی با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه مستقیم و معنادار و با سبک هویت اجتنابی رابطه معکوس و معنادار دارد. یعنی با افزایش سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری میزان معنای زندگی دانشجویان افزایش می‌یابد. از طرفی با افزایش سبک هویت اجتنابی وضعیت معنای زندگی کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش‌های دوریز و سوئنز (۲۰۰۶)، محمدی (۱۳۸۵)، فارسی نژاد (۱۳۸۳) و شکری و همکاران (۱۳۸۰) همسوست. در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان چنین اظهار کرد که لازمه رسیدن به یک زندگی توأم با معنا در مرحله اول شناخت خود و دست یافتن به تعریف منسجمی از خود است و فرد باید از بین دیدگاه‌های مختلف حاکم در محیط چهارچوب منسجمی برای خویشتن اتخاذ بکند تا بتواند با آن به زندگی خویش و دنیای خویش معنی بدهد. در واقع وقتی هدف از زندگی مشخص باشد فرد دچار احساس پوچی و بیهودگی، دل‌سردی و ناامیدی نمی‌شود و توانایی بیشتری برای مقابله با سختی‌ها و شکست‌ها پیدا می‌کند.

آلپورت^۱ (۱۹۶۱، به نقل از شرفی، ۱۳۸۴) هویت‌جویی را مهم‌ترین مشخصه زندگی می‌داند و معتقد است که اساسی‌ترین بخش جستجوی هویت، تعریف هدف، مقصود و آرمان زندگی است. در واقع انسان در برابر رنج‌ها و سختی‌های ناخواسته، ولی پیش‌آمده و شرایط و

محیطی خود واکنش خود را انتخاب می‌کند و هیچ‌کس جز خود و هویت او یارای آن نیست که این حق را از او باز بستاند. آنچه انسان را از پا در می‌آورد، رنج‌ها و سرشت نامطلوب آن‌ها نیست، بلکه بی‌معنا شدن زندگی است که مصیبت بار است و معنا تنها در لذت، شادمانی و خوشی نیست، بلکه در رنج و مرگ هم می‌توان معنایی یافت. پس می‌توان گفت معنای زندگی امری مشروط نیست. زیرا معنای زندگی می‌تواند حتی بالقوه درد و رنج را نیز در برگیرد (فرانکل، ۱۳۸۵). بنابراین، وجود معنا در زندگی مستلزم آن است که ارزش‌ها، اهداف و معیارها به طور سنجیده و حساب شده‌ای در درون احساس فرد از خود، پردازش، ارزیابی و باز ساختاردهی شوند.

در واقع افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی موفقیت بیشتری داشته و بازخورد مثبتی از اجتماع دریافت می‌کنند و همچنین این افراد با تعمق درباره خود، تلاش‌های مقابله‌ای مسأله‌مدار، احساس نیاز به شناخت، تصمیم‌گیری هدفمند، وظیفه‌شناسی و احساس هدفمندی در زندگی داشته و از زندگی خود رضایت بیشتری را دارند. این افراد در مواجهه با موضوعات مربوط به هویت، سنجیده عمل کرده و تلاش ذهنی زیادی نیز نشان می‌دهند؛ هدفمند به جستجو و ارزیابی مبادرت ورزیده و نسبت به اطلاعات مربوط به خود اعتماد و اطمینان لازم را نشان می‌دهند؛ نسبت به دیدگاه‌های خود موضعی شکاکانه اتخاذ کرده و مشتاقانه قضاوت خود را به تأخیر انداخته و در مواجهه با بازخورد ناهمساز، ابعاد خودساخته وجود خود را مجدداً ارزیابی می‌کنند و این عوامل باعث می‌شوند که افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی از معنای زندگی بالایی بهره‌مند باشند (برزونسکی، ۲۰۰۳).

از سویی افراد دارای سبک هویت هنجاری با درونی کردن ارزش‌ها و باورهای «دیگران مهم» و به دلیل فقدان استفاده از خود ارزیابی‌های سنجیده، با موضوعات مربوط به هویت به صورت خودکار مواجه می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهند که افراد هنجاری، وظیفه‌شناس و سازگار هستند، احساس جهت‌گیری آشکاری از خود نشان می‌دهند و احساس مثبتی از بهزیستی و معنا در زندگی دارند، اما این افراد در مواجهه با ابهام تحمل کمی از خود نشان داده، نیاز بالایی نسبت به ساختار دارند و در برابر اطلاعاتی که نظام ارزش‌ها و باورهای فردی آن‌ها را به چالش می‌کشد، بسته عمل می‌کنند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰)؛ بنابراین، افراد با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری تعهدات و قراردادهای فردی قوی‌تری نشان داده و از معنای زندگی

بالا‌تری بهره‌مند هستند.

با توجه به این‌که افراد دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی از توجه به مسائل و موضوعات فردی پرهیز می‌کنند و از تصمیم‌گیری سرباز می‌زنند تا این‌که درخواست‌های پیرامونی رفتار آن‌ها را هدایت کند. دور از انتظار نیست که این افراد توانایی بیان روشن، مستقیم و شایسته خود، برای خویش‌تر شدن بزرگی و احترام قائل شدن و نقاط قوت و محدودیت‌های خود را نشناخته باشند. زیرا ساختار هویتی آن‌ها تکه تکه شده است و آن مفهومی را ندارد که فرد باید از خود به‌عنوان یک شخص یگانه و یکپارچه داشته باشد و بنابراین، در زندگی برای خود ارزش و معنایی را قائل نیستند و به‌نظر آن‌ها زندگی ارزش کمتری دارد.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی و اجتنابی می‌توانند واریانس معنای زندگی را پیش‌بینی کند. این نتیجه با یافته‌های ولوراس و بوسما^۱ (۲۰۰۵) همسو است. در تبیین این یافته نیز می‌توان گفت که با مفاهیم نظریه شناختی-هیجانی همخوانی دارد. زیرا بر اساس این نظریه انسان‌ها همواره در زندگی خود با سؤال‌هایی مواجه می‌شوند که بدون پاسخ به آن‌ها هیجان‌های منفی و تنش‌های آزارنده را تجربه خواهند کرد. بنابراین، پاسخ ندادن به سؤال‌هایی چون من کیستم؟، خود به خود هیجان‌های منفی چون پوچی و بی‌معنایی را در پی خواهد داشت. افراد دارای هویت قوی برای خود در مقایسه با آن‌هایی که هویت آن‌ها بدون آشفتگی شکل می‌گیرد مستقل‌تر و خلاق‌تر هستند و تفکر پیچیده‌تری دارند. در ضمن این‌گونه افراد از توانایی بیشتری در ایجاد برقراری روابط صمیمانه با دیگران دارند و رضایت مثبتی از زندگی خود دارند. مغاللو و همکاران (۱۳۸۷) نیز در تبیین این یافته پژوهش معتقد هستند که افرادی که دیدگاه روشن و ثابتی درباره خود و دنیای خود ندارند، هستی را به صورت یک مجموعه پراشوب می‌پندارند که زندگی معنایی برای آن‌ها نخواهد داشت و بالعکس افراد با دیدگاه‌های روشن زندگی را کاملاً معنادار و زیبا خواهند دید.

نتیجه دیگر پژوهش نشان داد که میان دختران و پسران در متغیر سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری تفاوت معنادار وجود دارد. یعنی دختران از سبک هویت اطلاعاتی و

هنجاری بالاتری بهره‌مند هستند. این یافته با نتایج پژوهش‌های ویوان (۲۰۰۳)؛ آرچر (۱۹۸۹)، به نقل از دانش‌پور و همکاران، (۱۳۸۶)؛ آیسون و شوارتز برزونسکی (۲۰۰۳)؛ پورعلی فرد (۱۳۸۳)، میکائیلی منبع (۱۳۸۹) همسو است. این یافته می‌تواند گویای آن باشد که دختران بیشتر از پسران سمت و سویی متفاوت از آنچه اولیای امر تأکید دارند، در شکل‌گیری هویتی خویش بر می‌گزینند (منطقی، ۱۳۸۳). پژوهش (شهرآرای، ۱۳۸۴) نشان داد که زنان درک دیگری از هویت دارند، که در آن حس شخصی از خود مربوط به روابط با دیگران است. به عبارت دیگر مفهومی که فرد از خود دارد، با روابط او با دیگران ارتباط مستقیم دارد. تفاوت‌های جنسی مربوط به تفاوت بین انتظاراتی است که از طریق رفتارهای گوناگون با دختر و پسر از لحظه تولد فرا گرفته می‌شود. آرچر (۱۹۹۳) نیز معتقد است که جریان تحول هویت در مردان با دوری از تسلط و حاکمیت دیگران انجام می‌شود و گیلیگان (۱۹۸۲) معتقد است که شکل‌گیری هویت در پسران اساساً برای استقلال، فردیت و رقابت است. همچنین دختران در جامعه ما بیشتر از گذشته درگیر نقش‌های اجتماعی و حرفه‌ای شده‌اند و این امر با بالا بودن سبک هویتی در دختران مرتبط به نظر می‌رسد. بنابراین، افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رشد یافته‌تر هستند و از نظر سلامت روان‌شناختی در سطح بالاتری قرار دارند. به همین سبب از آنجایی که دختران بیشتر دارای سبک‌های هویتی رشد یافته هستند، سازگاری بسنده‌تری دارند. در تبیین این موضوع همچنین می‌توان گفت چون دختران زودتر به بلوغ می‌رسند و رشد یافته‌تر از پسران هستند، بیشتر سبک هویت اطلاعاتی دارند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵). علاوه بر این احتمالاً وجود انتظارات متفاوت از دختران و پسران در فرهنگ‌های مختلف نیز در این امر مؤثر است. در بیشتر فرهنگ‌ها خصوصاً فرهنگ‌های شرقی از دختران توقع رفتارهای رشد یافته‌تری می‌رود، به این دلیل احتمالاً رشد روانی و شخصیتی آن‌ها سریع‌تر از پسران رخ می‌دهد (میکائیلی منبع، ۱۳۸۹).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که میان دانشجویان دختر و پسر در متغیر معنای زندگی تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی دانشجویان دختر معنای زندگی بالاتری دارند. این یافته نیز با نتایج پژوهش‌های مالکی (۱۳۸۶)؛ صالحی حیدر آباد (۱۳۸۹)؛ بهروزی و محمدی (۱۳۸۷) همخوانی دارد. در تبیین این یافته پژوهش می‌توان چنین اظهار کرد که باورهای دینی و مذهبی در دختران بیشتر از پسران است و همین باورهای مذهبی می‌تواند چشمه‌ای برای معنا

بخشیدن به رویدادهای زندگی در دختران باشد. بنابراین، مذهب می‌تواند موجب امیدواری و خوش‌بینی افراد شود و به زیستن و مردن انسان معنا ببخشد (صالحی حیدرآباد، ۱۳۸۷).

این پژوهش با محدودیت‌های مواجه بود. با توجه به این‌که این پژوهش صرفاً در میان دانشجویان تبریز انجام شده است، یافته‌های آن به دانشجویان سایر شهرهای ایران تعمیم‌پذیر نیست که می‌تواند موضوع پژوهش‌های دیگری در این زمینه باشد. از سویی این پژوهش در میان دانشجویان آذری زبان انجام شد که در تعمیم‌پذیری یافته‌ها به افراد غیر دانشجوی و فرهنگ‌های دیگر باید احتیاط کرد. از سویی به دلیل این‌که یافته‌های این پژوهش به روش مقطعی به دست آمده است، لذا ارزیابی روابط علی را ممکن نمی‌کند. همچنین با توجه به این‌که در این پژوهش تنها پرسشنامه به کار برده شده است، به نظر می‌رسد که یک مصاحبه نیمه ساختار یافته به همراه پرسشنامه می‌تواند اطلاعات سودمندتر و گسترده‌تری فراهم آورد.

از پیشنهادات پژوهشی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در دانشگاه‌ها شرایطی فراهم شود تا دانشجویان با موضوع هویت و تحول آن در ابعاد و حوزه‌های مختلف آشنا شوند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و جلسات پرسش و پاسخ در این زمینه نیز مناسب است. برنامه ریزی فرهنگی و فوق برنامه در دانشگاه، تا با فراهم کردن زمینه تجربه، اکتشاف و جستجوگری در ابعاد اعتقادی، شرایطی را برای دانشجویان فراهم آورند تا فرایند هویت‌یابی در جهت منطقی خود پیش رود. از سویی با توجه به این‌که سبک هویت و به عبارتی روشی که فرد در آن در پی خود با تمام جنبه‌های فیزیکی، روانی، اجتماعی و ذهنی خود می‌رود؛ لازم است تا اولیای تربیتی با فراهم آوردن وضعیت شایسته برای رشد فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز رشد هویت، ابراز وجود سالم و افزایش معنای زندگی در آن‌ها شوند. همچنین در جامعه مدرن به علل مختلفی از جمله زوال ارزش‌ها و آداب و رسوم گذشته، نبود الگوی مناسب برای جوانان در زمینه زندگی شخصی و موفقیت همچنین فراز و نشیب‌های زندگی روزمره، احساس پوچی و بی‌معنایی و در نتیجه ناکامی وجودی افزایش می‌یابد. بنابراین، وظیفه درمان‌گران و متخصصان سلامت روان برگزاری هر چه بیشتر کلاس‌های آموزشی در زمینه معنایابی است تا هر کس بتواند در یافتن معنا و متعاقب آن، احساس شادمانی بیشتر در زندگی خویش موفق شود. از پیشنهادات پژوهشی دیگر می‌توان به مواردی چون اجرای پژوهش در مناطق دیگر و مقایسه با این پژوهش، انجام پژوهش‌هایی به منظور بررسی عوامل مؤثر بر هویت‌یابی و معنای زندگی و

انجام‌دادن مطالعات طولی اشاره کرد. زیرا به دلیل ماهیت تحولی سازه هویت، انجام‌دادن پژوهش‌های طولی می‌تواند، ارتباط میان سبک‌های هویت و معنای زندگی را در یک سیر تحولی بررسی کند.

سپاسگزاری

این پژوهش با همکاری صمیمانه دانشجویان دانشگاه تبریز انجام شد که از این عزیزان کمال تشکر و قدردانی را داریم. همچنین از جناب آقای دکتر تورج هاشمی که در تجزیه تحلیل داده‌های پژوهش همکاری کردند، تشکر می‌کنیم.



منابع

- انصاری، زهرا و نسرين اسکویی، (۱۳۸۰). هویت. تهران: ایتا.
- بهریزی، نوروبز و محمدی، نورالله، (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی معنای زندگی و امیدواری در دانشجویان دانشگاه شیراز. مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان. تهران، ۴۵-۶۰.
- پور علی فرد، فاطمه، (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های هویت با ابعاد هویت در دانشجویان دانشگاه شیراز و دانش آموزان مقطع سوم دبیرستان شهرستان شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- دانشورپور، زهره؛ اسمعیلی، عزیزالله؛ شهرآرای، مهناز؛ ولی الله، فرزاد و شکری، امید، (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسی در صمیمیت اجتماعی: نقش سبک‌های هویت، مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال ۱۳، شماره ۴، ۳۹۳-۴۰۴.
- دلاور، علی، (۱۳۷۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و علوم اجتماعی. تهران: رشد.
- رضوانی، علی، (۱۳۸۸). مقایسه دو شیوه معنا درمانی و آموزش فراسناختی بر کاهش اضطراب دختران مراجعه کننده به مراکز پیش دانشگاهی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.
- شرفی، محمد رضا، (۱۳۸۴). تأملی نقد گونه در باب معنای غایی زندگی با تأکید بر دیدگاه ویکتور فرانکل، مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. سال ۳۵، شماره ۱.
- شکری، امید؛ تاجیک، عزیزالله؛ دانشورپور، زهره؛ غنایی، زیبا و دستجردی، رضا، (۱۳۸۰). تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روانشناختی: نقش تعهد هویت، تازه‌های علوم شناختی، سال ۹، شماره ۲، ۳۳-۴۶.
- شهرآرای، مهرناز، (۱۳۸۴). روانشناسی رشد نوجوان: دیدگاهی تحولی. تهران: علم.
- صالحی، مهدیه، (۱۳۷۴). بررسی مسائل نوجوانان و جوانان ایران از دیدگاه روانشناسی انسان گرا. پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران.

- صالحی حیدر آباد، مجتبی، (۱۳۸۹). نقش تحول اخلاقی و سبک‌های هویتی در پیش‌بینی معنای زندگی دانشجویان دانشگاه تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
- فارسی نژاد، معصومه، (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خود کارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه ۲ دبیرستان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فرانکل، ویکتور، (۱۹۶۳). انسان در جستجوی معنا. ترجمه نهضت صالحیان و مهین میلانی (۱۳۸۵). تهران: درسا.
- فرانکل، ویکتور، (۱۳۷۵). خدا در ناخودآگاه. ترجمه ابراهیم یزدی، تهران: رسا.
- فیض آبادی، زهرا؛ فرزاد، ولی الله و شهرآرای، مهرناز، (۱۳۸۷). بررسی رابطه همدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی. فصلنامه مطالعات روانشناختی الزهراء (س) دوره ۳، شماره ۲، ۶۵-۹۰.
- مالکی، کفایت، (۱۳۸۶). بررسی رابطه معنی زندگی و راهبردهای مقابله‌ای با احساس شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- مغانلو، مهناز؛ وفایی، مریم و شهرآرای، مهناز، (۱۳۸۷). رابطه عوامل مدل پنج‌عاملی شخصیت و سبک‌های هویت. مجله پژوهش‌های روانشناختی، دوره ۱۱، شماره ۱ و ۲.
- محمد پور یزدی، احمدرضا، (۱۳۸۴). ویکتور فرانکل بنیان‌گذار معنا درمانی. تهران: دانژه.
- محمدی، فاطمه، (۱۳۸۵). بررسی اشکال هویت‌یابی در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- میکائیلی منیع، فرزانه، (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت با سازگاری دانشجویان با دانشگاه. فصلنامه مطالعات روانشناختی الزهراء (س)، دوره ۶، شماره ۲.
- منطقی، مرتضی، (۱۳۸۳). رفتارشناسی جوان در دهه سوم و چهارم انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات جوانان و مناسبات نسلی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. استانداری اصفهان.

Ames, C, (1992). Classrooms: Goals, structures, and student motivation. *Journal of Educational Psychology*, 84, 261-271.

Archer, S, (1993). *Multiple group identities: Differentiatin, conflict and integration.* In Journal.

- Allison, B. N & Schualtz, J. B,(2001).** Interpersonal Identity formation during early adolescence. *Journal Adolescenc*, 36. 509-522.
- Berk, L,(2002).** *Developmental psychology*. (5th eds). NewYork, Academic press.
- Berman, A. M, Schwartz, S. J & Kurtines, W,(2001).** The process of exploration in identity Formation: The role of style and competence. *Journal of Adolescence*. 24, 513-528.
- Berzonsky, M. D,(1992).** Identity style and coping strategies, *Journal of personality*, 60, 771-788.
- Berzonsky, M. D & Kuk, L,(2000).** Identity status and identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15, 81-98.
- Berzonsky, M. D,(2003).** Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity : An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.
- Berzonskey, M. D & Kuk, L,(2005).** Identity style, psychosocial maturity, an academic performance. *Personality and Individual Differences*. 39 (2005) 235-247.
- Durries, B & Soenens, B,(2006).** Personality. Identity styles and religiosity: An integrative study among late and middle adolescents. *Journal of adolescenc* 29. PP: 119-135.
- Durries, B & Soenens, B & Beyers, W,(2004).** Personality, identity style and religiosity, *Journal of Personality*.
- Durries, B, Smits, I & Goossens, L,(2008).** The relation between identity styles and religiosity in Adolescence: *Evidence from a longitudinal perspective*. *Personality and Individual Differences*. Pages 1012-1031.
- Erikson, E,(1968).** *Identity, Youth and crisis*. New York: International university Press.
- Frankl, V,(1969).** *Mans Search for Meaning*. New York: Poket.
- Fromm, E,(1947).** *Man for himself*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Gilligan, C,(1982).** *In a different voice: Psychological theory and womens development. social behavior and health*. San Francisco: Jossey- Bass.
- Maddi, S. R,(1970).** The search for meaning. In M. Page (Ed.), *Nebraska Symposium on Motivation* (pp. 137–186). Lincoln: University of Nebraska Press.
- Mascaro, N & Rosen, D. M,(2005).** Existential meaning's role in the enhancement of hope and prevention of depressive symptoms. *Journal of Personality*, 74, 985_1014.
- Reker, G. T & Fry, P. S,(2003).** Factor structure and invariance of personal meaning measures in cohorts of younger and older adults. *Personality and Individual Differences*, 35, 977–993.
- Sperinthal, N. A & Collins, A,(1995).** *Adolescent Psychology; A Development View* (3rd Ed.). McGraw Hill, Inc.
- Steger, F. M & Frazier, P,(2006).** The meaning in life questionnaire: assessing presence of and search for meaning in life. *Journal of Counseling Psychology*, 53, 80-93.
- Vivan s, B, (2003).** Relationship Between Identity processing style and Academic success in undergraduate students. *Journal of college students*. 44(22) , 155- 67.

- Vleioras, G & Bosma, H, (2005).** Are identity styles important for psychological well-being?. *Journal of Adolescence*. 28, 397-409.
- White, J. M; Wampler, R. S & Winn, K. I, (1998).** The Identity style inventory: A revision with sixth-grade reading level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 13, 2, 233-245.
- Yee Ho, M; Cheung, F. M & Cheung, S. F, (2010).** *The role of meaning in life and optimism in promoting well - being.* Personality and Individual Differences. Pages 658- 66.

